

روابط ایران با غرب و تقابل هویت های حقیقی و ساختگی در ایران معاصر

۱۲ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۵۰

خودکم بینی، خودباختگی، تسلیم در برابر تمدن غرب، عدم انگیزه برای تحرک و تلاش و پویایی و تولید این نوع آسیب های اجتماعی نتایج این هویت سطحی است. قاعده همانطور که اشاره شد شناخت عمیق و کافی از داشته های خودی و شناخت دقیق و عمیق از نقاط ضعف تمدن غرب می تواند به تدریج بیماری های هویتی جامعه ما را معالجه کند.

جامعه ما در طول شاید بیش از ۱۵۰ سال گذشته در معرض تاثیرات جدی تمدن غرب قرار داشته و صورت این تاثیرپذیری هم به صورت یکجانه از سوی غرب به سمت ما بوده است؛ یعنی به این دلیل که جامعه ما و مشخصاً بخشی از نخبگان ما حالت منفعلانه نسبت به تمدن غرب داشته اند در عمل این عده از نخبگان که عموماً هم در راس قدرت بودند و اهرم های قدرت سیاسی، علمی و فرهنگ را در دست داشتند، رفتار انفعالی خودشان را به کل جامعه تسری دادند و در نتیجه ما شاهد شکل گیری یک فرهنگ مقلدانه سطحی در جامعه ایرانی بودیم و البته یک هویت سطحی تحت تاثیر تمدن غرب هم در جامعه ایرانی ساخته شده و تا امروز هم متأسفانه این فرهنگ و هویت مقلدانه و سطحی ادامه پیدا کرده است.

اگر بخواهیم بررسی کنیم که چرا چنین فرهنگ و هویت تقلیدی که محصول مرعوبیت و تاثیرپذیری منفعلانه برخی از نخبگان و حاکمان جامعه ما در طول حدود یک و نیم قرن اخیر بوده است، شکل گرفته و چنین فرهنگ و هویتی ساخته شده است؟ باید آن را در رفتار نخبگان و فضای حاکم در آن زمان بررسی کنیم. در این زمینه علت آن شاید این باشد که کسانی که خود را در برابر غرب منفعل و مرعوب دیدند، شناخت، درک درست و عمیقی از فرهنگ و هویت خودی نداشتند و فرهنگ و هویت ایرانی را نمی شناختند و گذشته و تاریخ خود را نمی شناختند و بیشتر دستاوردهای مادی ملموس و محسوس تمدن غرب به چشمشان سنگین آمد و دست خود را در برابر آن دستاوردهای مادی غرب خالی و تهی می دیدند. همین باعث شد که به تعبیری که خود آنها بیان کردند به تهی دستی مطلق شان اقرار کنند. این اصطلاحی است که ملکم خان به کار می برد و می گوید «تهی دستی مطلق ما در برابر تمدن اروپایی» اشاره می کند که این تهی دستی یک عده مانند ملکم خان بود و جامعه ایرانی تهی دست نبود اما بی خبر بود از داشته های هویتی و فرهنگی و تاریخی خود و به همین خاطر در برابر تمدن غرب تسلیم شدند و منفعلانه برخورد کردند و چون تمدن غرب را به طور عمیق و دقیق نشناخته بودند، یک تقلید خیلی سطحی و درواقع معطوف به صورت تمدن غرب و سخت افزای آنها داشتند. نتیجه این تقلید سطحی و معطوف به ظاهر این شد که ما به مصرف کننده خودباخته کالاها و دستاوردهای مادی غرب تبدیل شدیم.

این فرایند سبب شد که ما تغییراتی در هویتمان شاهد باشیم و بخش مهم و عظیمی از جامعه ما متاسفانه در هویت و ساختار فرهنگی اش دچار اختلال شد. این اختلال در واقع همان هویت تقلیدی و منفعلانه است که کمابیش از گذشته در فرهنگ ما جاری شده و هنوز هم متاسفانه وجود دارد.

اگر بخواهیم شاخصه های این موضوع را بشماریم به چند نمونه می توان اشاره کرد. یکی کوچک انگاری و حقارت خود در برابر دستاوردهای مادی تمدن غرب است. این به یک عادت میان ما ایرانی ها تبدیل شده است که خودمان را تحقیر می کنیم و ساخته های خودی و مفاخر و دانشمندان خودی در نظرمات مهم جلوه نمی کنند؛ درمقابل داشته های تمدن غرب را تحسین می کنیم و در نظرمات این دستاوردها بسیار بزرگ هستند.

ویژگی دیگر حاکم شدن یک نگاه بسیار سطحی و به نام علم گرایی است؛ یعنی چون از حقیقت علم چه در صورت غربی آن و چه در صورت اسلامی و ایرانی آن بی خبر مانده ایم، بیشتر علم بازی و علم سازی را پیشه خودمان قرار داده ایم و یک نوع علم گرایی خیلی سطحی میان ما رایج شده است که نتیجه این عمل گرایی سطحی هم پدیده های مثل مدرک گرایی و تفاخر به مدرک است و کارآمدی و بهره وری نیز از این علم گرایی سطحی به دست نمی آید.

از سوی دیگر به گونه ای شیفتگی به غرب و غرب زدگی خارج از قاعده در فرهنگ ما رسوخ کرده است که در لباس، آرایش و شیوه تغذیه و شیوه روابط اجتماعی به چشم می خورد؛ یعنی بخش هایی از جامعه ما بسیار بیشتر از غربی ها و در واقع جدی تر از غربی ها تلاش می کنند که در برخی از شاخص ها و نشان ها شبیه غربی ها بشوند. به همین خاطر این دسته از زنانی که اینگونه هستند خیلی بیشتر از غربی ها آرایش می کنند، در مصرف گرای خیلی جدی تر از غربی ها عمل می کنند و اگر دیده اند که غربی ها حیوانات خانگی نگهداری می کنند اینها اصرار دارند که به رخ بکشند که سگی یا گربه ای در بغل دارند و غذاهای بسته بندی اروپایی را به گزاف می خردند و مصرف می کنند و اصرار دارند که اینها را به نمایش بگذارند و در روابط اجتماعی بی مبالاتی و سبک سری را به عنوان رفتار آزادانه غربی مرتکب می شوند؛ درحالی که خود غربی ها چنین سبک سری هایی را به این شکل مرتکب نمی شوند. بعد می بینیم که در بعضی عرصه ها از غربی ها پیش افتاده اند یعنی این عده از آنجایی که نتوانسته اند عمیقاً غربی بشوند سعی می کنند که در ظواهر از غربی ها غربی تر بشوند. اینها نمونه ها و برخی از شاخصه های این تقلید سطحی از تمدن غرب است که در این ۱۵۰ سال اخیر در جامعه ما ساری و جاری شده است و متاسفانه هنوز هم مشاهده می شود.

خودکم بینی، خودباختگی، تسلیم در برابر تمدن غرب، عدم انگیزه برای تحرک و تلاش و پویایی و تولید این نوع آسیب های اجتماعی نتایج این هویت سطحی است. قاعده همانطور که اشاره شد شناخت عمیق و کافی از داشته های خودی و شناخت دقیق و عمیق از نقاط ضعف تمدن غرب می تواند به تدریج بیماری های هویتی جامعه ما را معالجه کند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۶۰۸/روابط-ایران-غرب-تقابل-هویت-تقابل-غرب-ایران-روابط/۲۲۶۰۸>